

نوشتن نور ناب

فاصله شعر و شعار در شعر دفاع مقدس

نیاید پیوده شعر دادد حتی برای شعار. پس از هفتاد و پنج سال از حرف‌های شعاری در باره شعر فاصله بگیریم. آیا شعر ذاتاً بد است؟ آیا شعر در شعر همیشه ناپسند است؟ آیا هر شعر ضمیمی که موضوعی اجتماعی یا سیاسی دارد شعاری است؟ گذشتگان چه تعریفی از شعر ارائه داده‌اند؟ برای یافتن تعریف پیشینیان از شعر، ساده‌ترین راه مراجعه به لغتنامه است. در لغتنامه دهخدا ذیل واژه شعر به نقل از منتهی‌الادب آمده است: «صلاحه و نشان اهل جنگ و سفر که یکدیگر را بدین باز شناسند و آن چیزی است که در وقت جنگ و در تار یکی شب یکدیگر را بدین باز شناسند». از همین چند جمله که در شناسایی شعر آمده، به روشنی مشهود است که «شعار» یا «جنگ» هم‌بستگی صلاحت‌آمیزی (؟) داشته است و می‌توان نتیجه گرفت که شعار در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی معنی می‌یابد. با این مقدمه، می‌توان به چند نکته در باره شعر اکتفا کرد.

امروز چه تعریفی از شعر می‌توان ارائه داد؟ اگر منظور از شعر، جملات یا گزاره‌هایی است که در جمعیت اجتماعی یا بیابان‌های سیاسی مطرح می‌شوند می‌توان گفت: «شعر گزاره‌ای است چکیده و موجز که گروه یا عده خاصی به آن ایمان دارند یا چکیده گوی نشان‌دهنده مرام و اعتقاد آن گروه و عده خاصی است».

در مقابل آنچه به نثر شعر شناخته می‌شود یعنی نثر و نثر و نثر است یا موضوعات سیاسی و اجتماعی که به عنوان نثر شعاری می‌شناسیم. پرسشی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که آیا اصولاً شعر در کلیات مفهوم است؟ چرا اغلب شعر بر ذهن هر شعرین نشیند، آن را بی‌اعتبار می‌کنند؟ آنچه مسلم است آنکه شعر در باره معنای امروزین آن در فرهنگ اجتماعی به ادبیات راه یافته است و در ادبیات گذشته (قبل از مشروطه) جایگاهی نداشته است. به عبارت دیگر هنگامی شعر در حوالی شعر ماستی یافت که شعر پایه مرصع‌های اجتماعی گناخت و وجه غالب رویکرد آن اجتماعی و سیاسی شد. با این توضیحات می‌توان شعر شعری را شعری اجتماعی دانست که در آن کمتر کنش و تاملی شعرای قدیم پدید می‌شود.

اگر بخواهیم نمونه‌هایی را در شعر گذشته قریس ببایم که فرغ از موضوع آن یا شعارهای امروزی در شعر قریبی داشته باشد باید آن را در ادبیات تعلیمی و مضامین عصری هاسراغ گرفت. نمونه بارز در این زمینه تصادف ناصر حسرو است. در سوره این شعر مطالب حکمی و اخلاقی بدون آنکه تر آن تصرف استی خاصی رخ داده باشد، به خواننده عرضه شده است. همچنین در بسیاری از مضامین فقط بزرگی و عظمت ممدوح ستوده شده و کشف‌شاعر آگاهی دیده نمی‌شود.

آیا بهر استی شعار مذموم است؟ گفتیم که شعار، چکیده خواسته‌ها، اعتقادات و نظریات جمعی است که به مسالک خاصی اعتقاد دارند. این به خودی خود هیچ مذموم نیست. البته شعر می‌تواند شعار باشد و از ویژگی‌های شعر بهره گیرد. شعار نمود شور جمعی است و زبان و بیان خود را از کلیات حاکم بر جمع می‌گیرد. تعارض بین شعر و شعار از آنجا آغاز می‌شود که شعاری اعتقادات و نظریات خود را بدون آنکه چهره‌ای هنر منصفه به آن بختد به جای شعر عرضه کند. البته وحدانیت که شعار کافر در اجتماع می‌شود را در اول وای پس که این کارگرد در بیشتر مواقع در توان شعر نیست. هیچ کس منکر تاثیر گذاری شعرهای نسیم شمال و میرزاده عشقی در انقلاب مشروطه نیست. در باره استقبال از آثار نسیم شمال در زمان خود بسیار جوته‌هایم و شنیدیم. این تاثیر گذاری هرگز از شعر شعاری که در آن زمان می‌زیستند و شعر آنها هنوز هم قابل اعتناست نمی‌آید.

پرستش دیگران نیست که آه شعر می‌که از عناصر خیالی می‌بهرد است شعاری است؟ شعار هر چند فاصله تا شعر دارد اما آن قدر از شمنند هست که هر سخن مستی از شعار در تقییم جایگاه تبلیغی کلام بهترین محک برای شعری بودن یا نبودن آن است.

۲- شعر، زبان خصوصی تری دارد. توضیح اینکه شعر و شعرهای شعاری فقط برای کسانی که به یک مرام و شیوه اعتقاد دارند قابل پذیرش است. زبان هنری به منظور عام و زبان شعر به منظور خاص، به معنای خاص، را برای مخاطبان خود در نظر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر در شعر سخن توجه به گرایش‌ها و اختلافات افراد آفرینش هنری منظور است. هر حالی که کلام شعری چنین نیست.

شعر هر چه زبان عمومی تری برنگزیند، شعر فاصله خواهد گرفت. شعر متنی قابل پذیرش است. مخاطبان چنین متنی می‌توانند تامل‌های مختلفی از آن گرفته کنند و همین موضوع کلی است که نسبت کمتری به آن‌ها برقرار کند.

۳- شعر ننگه کلی به موضوعات اجتماعی و سیاسی دارد. ما می‌بینیم که هر کس که ننگه‌های غالب شعر امروز ننگه شاعر از جز به کل هسته در این نوع



نگه شعر تحقق نمی‌یابد. البته نمی‌توان این موضوع را تصمیم داد چرا که اصولاً کشف و تاملی شاعر همیشه شعر منجر می‌شود. شعر برای مثال می‌تواند به این معنی قصه همین پور اشاره کرد.

نوشتن نور ناب، کاری است شگفت این پریش را چون کاری است شگفت تو گونه یک شهید را بوسیدی بوسیدن آفتاب کاری است شگفت هر شعر بیانگر اعتقاد و التزام شاعر به فرهنگ شهادت است. در این روای با یک کشف شاعرانه رو به روی شعر گونه شهید را به آفتاب تشبیه کرده و لحظه بوسیدن گونه شهید به روشن‌ترین وجه ثبت شده است. شاعر لغت کشف شاعرانه خود را با همگان - حتی آنان که به فرهنگ شهادت اعتقاد ندارند - در میان می‌گذارد. در نگاه جز منکر شعر معاصر، هیچ گاه بدون کشف شاعرانه شعر اتفاق نمی‌افتد. و این همان چیزی است که با شعر که نگاهی کلی به موضوعات دارد همخوان نیست. البته واضح است که کشف شاعرانه ربطی به نگاه سنتی یا معاصر ندارد. برای نمونه می‌توان لایات زیور ساعد پاری را با یکی دیگر از غزل‌های موفق او که چندان هم از نگاه سنتی فاصله‌نگر نیست مقایسه کرد.

به نام کی تو لغت کت کنی این هر از نیش تو مرغ آسمانی بوبند آبی‌های تو زنده صحرای نیکار خون نکل من پهر که جاکه منگر بیست غشای

یادگار از تو همین سوخته جامی است مرا شعله ز توست اگر گرم زبانی است مرا به تاملی تن سوختن آمد نام

بر خیزای برادر
بستنی اسپاسی من
لهری من نخلی در کشور عراق
سر کوب کن سپاه تباهی را
سر کوب کن نظام ستم پیشه عراق
بستیزی برادر
با هلمین کفر

رضاشاخ - کیهان - ۵۷۷۱
این شعر مشتق از خور است. در مایه‌های آن دوره نمونه‌های فراوانی از این دست یافت می‌شود. اینکه شعرهای آن دوره بیشتر شعر نثری است، چند دلیل صدها دارد که بعضی را می‌شود شرح داد.

۱- آن روزها چشمه ما شاعر زده بود و سطح توقع خوانندگان نیز از شعر با دیگر دوره‌ها متفاوت بود. شاعر زده‌گی در آن دوره به حدی بود که حتی شاعرانی که در اوج پختگی بودند شعرهایشان از شعر سرشار بود. این ابیات از سیمین به بهی گویا روشنی بر این موضوع است.

این وطن جان ما سنجان دشمن
مسپار بد جان ما ناهست
آتش از زبان جنایان
آتش از زبانی افرات است
خود گرفتند - گو گمباید
چنگ و دندان و سنگ خار است
دست یازد تا زبون باقی است
صفت باند تا که باز هست

خطی ز سر صحت و از آتش من ۱۲۲
در این قصیده با آنکه تسلط شاعر بر زبان به خوبی مشهود است اما مضامین و نکات طرح شده در شعر تفاوت چندانی با آنچه در شعر دیگر شاعران چون و بعضاً گنایم دیده می‌شود ندارد. گویی عدم توجه به خواسته‌های ملی و مذهبی مردم در شعر از هیچ کس پذیرفته‌شود.

۲- سراسر ایندگان چنین شعرهایی پیش از آنکه به ابتدای شعر خود بپیوندند، به تاثیر گذاری آن می‌اندیشند. شاعران آن دوره برای شعر وظیفه‌های انقلابی قائل بودند و تامل و تامل‌گشتن این بود که از عهده این وظیفه‌ها درستی برآید.

۳- عهده کسانی که شعر منصفه می‌سرورنده در آغاز دوره شعری خود بودند و این شاعران برای رسیدن به دوره پختگی باید راهی طولانی را می‌پیمودند. بسیاری از شاعران که بعدها صاحب نام شدند پیش از بدای این دست شعرها از کاروانه خود حذف کردند و حتی هر مجموعه شعرهای خود نیز تیار کردند.

اعتقاد دیگری از کسانی که نامشان را در صفحه‌های ادبی مطبوعات آن دوره می‌بینیم به زودی با شعر خفاصت‌گانی کردند و از لاف راه باز داشتند. این موضوع حکایت از آن دارد که خیزش جمعی، این جمعیت را برای ادای دین به از زبان‌های انقلاب به پندی شعر کشف‌شاعر و تبلیغ و جان شاعر آگاهی داشتند.

۴- امروز شعر دفاع مقدس می‌گویم شعر و با عقیده دفاع مقدس، آن را محدود می‌کنیم. همین که شعری موضوعی را به عنوان محور انتخاب می‌کند از تأویل پذیری خود می‌کاهد. این گزاره درباره همه شعرهای موضوعی صلی می‌کند. بنابراین نباید توقعی که از شعری با موضوع آزاد داریم. شعر دفاع مقدس نیز داشته باشد. با این همه، حضور چهره‌های جوان با نگاه‌های بکر در این عرصه راه‌های جدیدی را خواهد گشود. جوان‌هایی که حتی صدای هیچ کولوله‌ای را نشنیده‌اند اما چنان با حس جنگ در آمیخته‌اند که گویی آن را با تمام وجود در کمر دارند. البته تمات جنگ هنوز به خوبی در جامعه دیده می‌شود. حجم زیادی از آثار خلق شده در باره جنگ ارزش تاریخی دارند. امید است که باید این آثار حفظ شوند. اما با تبیین و حفظ جایگاه واقعی آنها، شاعر امروز هیچ نیازی به دوباره‌سازی ندارد. اما اگر به مطالعه سرودهای پیشین است زیرا هر چه باشد جزئی از تاریخ جنگ محسوب می‌شوند. اینک آتش جنگ فرو خفته و هیچ نیازی به ترویج آنی مخاطب وجود ندارد. پس اینک مخاطب حق دارد که از شعر دفاع مقدس توقع شکر داشته باشد. شعر

گواه بر...